

تحلیل وتبیین تطبیقی شرایط کنونی منطقه و جهان

براساس سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن کریم

آیت‌الله محسن اراکی

الآن افساد آمریکا افساد بنی‌اسرائیلی است و این افساد بنی‌اسرائیل همه‌گیر است و همه‌جای دنیا را فرا گرفته است؛ لذا می‌بینید که هر جا فسادی صورت می‌گیرد، دست آمریکا در آن است که یعنی دست بنی‌اسرائیل هم در آن فساد است. به گزارش پایگاه مفتاح، آیت‌الله محسن اراکی در سومین جلسه از «سلسله جلسات تبیین و تحلیل تطبیقی شرایط کنونی منطقه و جهان، به سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن کریم» مطالبی بیان کرد که در ادامه شرح کامل آن می‌آید:

• بررسی اجمالی حوادث کنونی از نگاه فلسفه تاریخ قرآنی

قال الله فی کتابه (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم) ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ...﴾ (نور/ ۵۵) یا آنچه در توجیه به حوادث اخیر در منطقه بالأخص تهاجم ستمگرانه رژیم مفسد غاصب ارض فلسطین در جمهوری اسلامی و پیش از آن، ظلم‌های بی‌شماری که در فلسطین و سرزمین غزه مرتکب شد، بر ما لازم است، این حوادث را از نگاه فلسفه تاریخ قرآنی تا حدودی مورد بررسی قرار دهیم.

• تشریح چهار دوره تاریخی از آدم تا ظهور

در قرآن کریم هم برای حرکت‌های تاریخ، نظم و قانون خاصی را می‌بینیم و هم این نظم و قانون خاص را خدای متعال در قرآن کریم تبیین کرده است؛ یعنی حوادثی که در تاریخ بشر رخ داده و رخ می‌دهد، طبق یک نظم خاصی پیش می‌رود؛ اولاً هدف دارد و به سمت این هدف حرکت می‌کند. تحولات تاریخ این چنین است! شکست‌ها پیروزی‌ها و تمدن‌هایی که ظهور می‌کنند، تمدن‌هایی که سقوط می‌کنند، امت‌هایی که رشد می‌کنند، امت‌هایی که پست می‌افتند؛ این‌ها همه قانون است. ما حالا نسبت به قوانین کل حاکم بر تاریخ الان نمی‌خواهیم سخن بگوییم! می‌خواهیم نسبت به قوانینی که از دوره حضرت ابراهیم ﷺ به‌عنوان پدر جریان جدید تاریخ، ما حضرت ابراهیم ﷺ را به‌عنوان پدر تاریخ نو یعنی تاریخ بعد از تاریخ حضرت نوح ﷺ می‌شناسیم. ما در نگاه قرآنی سه دوره مهم تاریخی یا بلکه ۴ دوره تاریخی داریم؛ دوره حضرت آدم تا دوره حضرت نوح، دوره حضرت نوح تا دوره حضرت ابراهیم، دوره حضرت ابراهیم تا ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه‌ه) یا می‌توان گفت تا ظهور نبی اکرم ﷺ؛ چون ظهور حضرت ولی‌عصر به‌نحوی ادامه دوران تاریخ حضرت محمد ﷺ است.

• سه قانون دوره ابراهیمی

قانون امامت، شهادت امام و شهادت امت

از دوره حضرت ابراهیم ﷺ جریان جدیدی در تاریخ شروع شده است که این جریان جدید تاریخی مبتنی بر سه قانون است؛ یک قانون، قانون امامت است، یک قانون، قانون شهادت امام است و یک قانون، قانون شهادت امت است که می‌فرماید: ﴿وَكُلًّا لَكَ جَعَلْنَا أُمَّةً وَسَطًا لِنَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ (بقره/ ۱۴۳).

در همین آیه‌ای که ما تلاوت کردیم، در صدر سخن که آخرین آیه سوره حج است که می‌فرماید: ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ﴾ (حج/ ۷۸) که می‌فرماید: ابراهیم پدر شماست؛ این در حقیقت یعنی پدر این دوره جدید تاریخی است که شروع می‌شود: ﴿هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَفِي هَذَا﴾ (حج/ ۷۸) که یعنی ابراهیم پدر شماست و آغاز دوره جدید تاریخ است؛ ﴿لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (بقره/ ۱۴۳). در این دوره جدید، آنچه اتفاق می‌افتد، شهادت الرسول و شهادت الامامت است که البته شهادت الرسول، همان شهادت الامام است؛ یعنی شهادت‌الرسول، شهادت رسول اکرم ﷺ و ائمه هدی(ع) است؛ اینها شهادت‌شان، شهادت بر امت است و امت هم یک امتی است که این امت شاهد بر سایر امت‌ها می‌شود؛ این ۳ قانون، یک قانون امامت است؛ قانون امامت درباره آیه ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۚ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/ ۱۲۴)، این «لا ینال احد الظالمین»، دو مطلب در آن هست که یکی نفی است و دیگری اثبات! معلوم می‌شود که این دوره ابراهیمی، دوره حاکمیت ذریه ابراهیم است یا دوره عمل‌کردن و کنشگری ذریه ابراهیمی است این دوره کنشگری ذریه ابراهیم دو بخش دارد؛ چون ذریه ابراهیم به دو بخش تقسیم می‌شود؛ ذریه مفسدان و ذریه مصلحان یا به‌عبارتی ذریه ظالمان و ذریه عادلان؛ لذا بعد فرمود: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/ ۱۲۴). وقتی فرمود: «ومن ذریتی لا ینال احد الظالمین»؛ یعنی این امامت نصیب ظالمان از ذریه تو نخواهد شد؛ نصیب مفسدان ذریه تو نخواهد شد؛ بلکه نصیب صالحان از ذریه تو خواهد شد و این امامت ذریه ابراهیم تا روز قیامت ادامه دارد که می‌فرماید: ﴿أَمْ يَتَخَسَّدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ

وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾ (نساء / ۵۴)؛ این ملک عظیم

همان امامتی است که تا روز قیامت ادامه دارد؛ یعنی تا لحظه‌ای که وعده نهایی خدای متعال که ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (نور/ ۵۵) یا آنچه در آخر سوره سجده آمده است: ﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۚ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ۚ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَانْتَظَرُوا إِلَيْهِمْ مُنْتَظَرُونَ﴾ (سجده / ۲۸–۲۹–۳۰).

• دو وعده و دو فتح در قرآن

یوم‌الفتح دو سه جا در قرآن کریم به آن اشاره شده است؛ دو یوم‌الفتح در قرآن داریم؛ یکی یوم‌الفتح اول «انا فتحنا لک فتحا مبینا» و یکی یوم‌الفتح دوم «وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» که به آن اشاره شده است؛ همان‌طور که دو وعده در قرآن کریم ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهُكُمْ﴾ این وعد دوم، وعد الآخره که در سوره بنی‌اسرائیل به آن اشاره شده است: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا﴾ ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهُكُمْ﴾ (اسراء/ ۷). در اینجا هر دو وعده در قرآن کریم آمده است؛ این دو وعده، دو وعده پیروزی امت حق است؛ از این دو وعده، یک وعده مربوط به دوره ما قبل آخرالزمان است و یکی دوره ماقبل الرسول‌الله است؛ دوره ماقبل الرسول، مربوط به دوره حضرت ابراهیم ﷺ است و یکی دوره بعدالرسول (آخرالزمان) است که دوره سوم تاریخ می‌شود.

• افساد دوگانه بنی‌اسرائیل؛ تحلیل افساد اول و دوم

الوعد الآخره دوره بعدالرسول و جاء وعده لا هما بعثنا عليكم عباد له دوره قبل الرسول است؛ وعد الآخره در دو جای سوره اسراء به آن اشاره شده است که هم اول سوره اسراء ﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ (۴) فإذا جاء وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا(۵)﴾ این افساد اول به دنبالش این وعده اول است که وعده پیروزی اهل حق است؛ حالا این وعده اول که وعده جبران ما قبل رسول‌الله ﷺ است. این الان مورد بحث ما نیست و مورد بحث ما افساد ثانی است که ﴿لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ﴾ که بعدش می‌فرماید: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهُكُمْ﴾ (اسراء/ ۷)؛ بعد از افساد اول «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا» بعد از آن: ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَوَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَقْوَالٍ وَتَیِّبِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِیرًا﴾ (اسراء/ ۶) بعد از آن وعده اول که پیروزی اهل حق است و درنتیجه پیروزی اهل حق، شما تار و مار می‌شوید و متفرق می‌شوید. بعد از تفرقه و تشدد، بعد از یک دوره‌ای دیگر شما مجدد جمع می‌شوید که این دوره جمع‌شدن دوم می‌شود که در آخر سوره اسراء می‌شود فهمید که می‌فرماید: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِیفًا﴾ (اسراء/ ۱۰۴)؛ یعنی شما را جمع می‌کند و از همه جا جمع می‌شوید و دوباره وعده دوم محقق می‌شود؛ در این وعده دوم، مجدد افساد دوم بنی‌اسرائیل رخ می‌دهد، این افساد دوم: ﴿لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَینِ﴾ که در اوایل و اواخر سوره اسراء به آن اشاره شده است. ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾ (اسراء/ ۵) این وعده اول تحقق پیدا می‌کند که وعده نابودی بنی‌اسرائیل است. بعد از افساد اول، بعد می‌فرماید: ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَوَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَقْوَالٍ وَتَیِّبَینَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِیرًا﴾ (اسراء/ ۶) سپس شما مجدد بازمی‌گردید. این ظاهرًا همان چیزی است که در آخر سوره اسراء به آن اشاره شده است که: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِیفًا﴾. بعد از این (جئنا بکم لفیفا) و دوباره جمع‌شدن بنی‌اسرائیل، افساد دوم تحقق پیدا می‌کند.

در این افساد دوم، همه قرائن نشان می‌دهد که این افساد دوم، افسادی است که امروز بنی‌اسرائیل در ارض فساد کرده است؛ یعنی افسادی فراگیر است؛ الان افساد آمریکا، افساد بنی‌اسرائیلی است واین افساد بنی‌اسرائیل، همه‌گیراست و همه‌جای دنیا را فرا گرفته است؛ لذا می‌بینید که هر جا فسادی امروز صورت می‌گیرد، دست آمریکا در آن فساد است که یعنی دست بنی‌اسرائیل هم در آن فساد است؛ ولی این افساد سرانجام جمع خواهد شد. گفتیم دو تیره بنی‌ابراهیمی وجود دارد که یک تیره بنی‌ابراهیمی، همین تیره مفسد است که تیره بنی‌اسرائیل است؛ البته در ابتدای امر اینها مفسد نبودند؛ ولی به‌تدریج در نتیجه طغیانی که به آنها عارض شد که فرمود: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَٰعِدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ



خط امامت یعنی خط تسلیم محض برای خداست؛ خط سرافتادگی، خط سرسپردگی، خط عبودیت محض برای خدا؛ این یعنی خط امامت و این خط امامت، در ذریه ابراهیم از نسل اسماعیل تداوم خواهد یافت تا روزی که خط افساد کلا از این جامعه برچیده شود؛ آن خط افسادی که تیره بنی‌اسرائیلی سرانجام در این جهان و در این جامعه بشر به راه خواهد انداخت؛ این مسأله امامت است؛ امامت تا روز قیامت تداوم دارد و اصلاً انتهایپذیر نیست و آن همان خطی است که خداوند از آن به بقیة‌الله تعبیر کرده است؛ این هسته همیشه در جامعه بشر، هسته بقا و هسته باقی است و هسته مداوم است.

وَاتَّبِعُوا الشَّهَادَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا﴾ (مریم/ ۵۹)، بعد می‌فرماید که ﴿وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةَ وَالْمُسْكَنَةَ وَبَاءُوا بِغَضَبِ مِنِّ اللَّهِ﴾ (بقره/ ۶۱)؛ آنان دچار غضب الهی شدند و تبدیل به امت مفسد شدند و شدند یک تیره مفسد در جهان بشر.

• ماجرای مناجات موسی ﷺ

(بررسی آیات ۱۵۵–۱۵۹سوره اعراف)

در قرآن کریم در یک جای دیگر، یک مطلب مهمی داریم در سوره اعراف که خیلی مهم است؛ این چیزهایی که ما می‌گوییم، آیه‌های بنیادین قرآنی است و سرفصل‌های تحولات تاریخی در این آیات تبیین می‌شود؛ در آیه سوره اعراف که از انجایی شروع می‌شود که حضرت موسی ﷺ بعد از آنکه بنی‌اسرائیل توبه می‌کنند، بعد از انحرافی که در بنی‌اسرائیل به وجود آمد و گوساله‌پرستی و توبه‌کردن آنها ﴿فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ و خداوند توبه آنان را پذیرفت. بنا شد که الواحی که بر حضرت موسی ﷺ وحی شده بود (یعنی نظام زندگی و نظام حکومتی)، بعد از اینکه نظام حکومتی بر حضرت موسی ﷺ وحی شد و بنی‌اسرائیل توبه کردند، وعده داده شد که این‌ها بروند و مناجات حضرت موسی ﷺ با خدا را بشنود که ﴿وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّيمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلِ وَإِنِّي أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْفُتَاهُ مِنَّا إِنِ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنِ شَاءَ وَتَهْدِي مَنِ تَشَاءُ أَأَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ﴾ (اعراف/ ۱۵۵) همچنین ﴿وَكَتَبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هَذَا إِلَيْكَ قَالِ عَدَابِي أُصِيبَ بِهِ مَن أَشَاءَ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَلْنَاهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ رَبُّوْنَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف/ ۱۵۶) آیات ۱۵۵ تا ۱۵۹ سوره اعراف است که به بخشی از فرازا اشاره خواهد شد؛ می‌گویند: حضرت موسی ﷺ اینجا که با خدا به مناجات برخاست، با حضور منتخبین بنی‌اسرائیل بود و یک خواسته‌ای از خدا کرد؛ خواسته‌اش این است: ﴿وَكَتَبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هَذَا إِلَيْكَ﴾، یعنی ما تسلیم تو هستیم. بنی‌اسرائیل بعد از آن اشتباهی که کردند، تسلیم تو هستند؛ قانون هم که تو بر ما وحی کرده‌ای (قانون جامعه‌داری، قانون حکومت‌داری و...)، می‌خواهیم جامعه عدل الهی را ما پیاده کنیم؛ اما این جامعه عدلی را که ما می‌خواهیم پیاده کنیم، تو آن را برای ما دانی می‌کن! این «واکتب» که می‌گوید: ﴿وَكَتَبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ﴾ یعنی دانی‌می‌کن.

این را حالا من به این زبان عرض می‌کنم که گویا حضرت موسی ﷺ از خدا می‌خواهد که این حکومت ما را به آن حکومت عدل پایانی متصل کن! حضرت موسی پیامبر بلندپروازی بود؛ بلندپروازی در امور معنوی خوب است؛ یک‌بار دیگر سیر نمی‌شود از سخن گفتن با خدا و می‌گوید: این پرده را بردار تا تمام شود کارها! که خداوند می‌فرماید: «لن ترنی» نه! هر دو خواسته‌اش را خداوند جواب رد می‌دهد! خواسته اولش فردی و خواسته دومش اجتماعی بود؛ این بنی‌اسرائیل که یک امتی است، تسلیم شدند و حکم تو را اجرا می‌کنند و من هم امامت آنها را بر عهده گرفتم؛ این جامعه الهی عدلی را که تو بر ما منت نهاده‌ای، این ادامه پیدا کند تا آخر...؛ یعنی دیگر اگر رسولی می‌آید، ادامه‌دهنده ما باشند؛ نه اینکه دوباره آنها از نو حکومت جدید برقرار و عدل الهی جدید پایه‌گذاری کنند. در اینجا خداوند یک جواب عجیبی به حضرت موسی ﷺ می‌دهد؛ می‌فرماید: ﴿قَالَ عِدَائِي أُصِيبَ بِهِ مَن أَشَاءُ﴾ (اعراف/ ۱۵۶). وقتی یک همچنین درخواستی می‌کند، خداوند در جواب درخواست او، اشاره به عذاب خود

می‌کند؛ این متضمن این معناست که این امتی که تو امروز می‌بینی که همچنین سرسپرده و سر به زیر هستند، سرانجام تمبرد خواهند کرد و دچار عذاب من خواهند شد؛ بعد می‌فرماید: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾؛ در رحمت من باز است و من در رحمتم رانسته‌ام بر امت تو؛ منتها خودشان لیاقت رحمت من را ندارند؛ اما «فساکتیها» این کتابتی که تو خواسته‌ای، مشمول امت تو نخواهد شد؛ مشمول یک امت دیگری خواهد شد: ﴿فَسَأَلْنَاهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ رَبُّوْنَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف/ ۱۵۶) ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (اعراف/ ۱۵۷) ﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمَّاؤُا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبَعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (اعراف/ ۱۵۸). این اشاره به این است که آن حکومت پایانی عدل به‌وسیله امت تو برقرار نخواهد شد و این کار، کار رسول خاتم ﷺ است و کار امت ایشان است.

• دو تیره ابراهیمی؛

تقسیم ذریه به اسحاقی (مفسد) و اسماعیلی (امامت)

این جریان امت بنی‌اسرائیلی یعنی امت ابراهیمی تیره اسحاقی، کارش به انحراف کشیده می‌شود و کارش به جای اینکه بشود امت شاهد بر حق، تبدیل می‌شود به امت مفسد و امت سردمدار فساد در جهان بشری؛ از این سو شما آیات امامت را که می‌بینید که از: ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۚ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/ ۱۲۴)، این «لا ینال»؛ یعنی تیره اسحاقی؛ سرانجام از این امامت مستمر را (چون این «من ذریتی» که گفته می‌شود یعنی تا روز قیامت! به او گفته می‌شود: «لا ینال احد الظالمین» یعنی این ظلم و ستم با امامت سازگار نیست.) نصیب فرزندان ستمگرت نمی‌کنیم! این فرزندان ستمگر، تیره اسحاقی یا تیره بنی‌اسرائیلی است که سرانجام کارشان به ستمگری و افساد فی‌الارض منجر می‌شود؛ در ادامه همین آیه: ﴿وَمَنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/ ۱۲۴)، اینجا دیگر بیان امامت شروع می‌شود و خط امامتی که تا آخر ادامه پیدا خواهد کرد.

درحقیقت منظور خط امامت بنی‌ابراهیمی است که این امامت بنی‌ابراهیم و مستمر، امامت آل محمدی ﷺ است؛ یعنی امامت ذریه اسماعیلی است؛ لذا می‌بینید بعد از آیه ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ چه می‌آید؟ می‌فرماید: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُضَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتُنِي لِّلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (بقره/ ۱۲۵) در اینجا از «طهرا بیتی» بحث امامت ذریه اسماعیلی از بنی‌ابراهیمی شروع می‌شود: ﴿لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ و در ادامه: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مِن أَمْنٍ مِّنْهُمُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمَ الْآخِرُ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّوْا إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (بقره/ ۱۲۶) ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (بقره/ ۱۲۷)؛ یعنی بر ضمه ابراهیم و اسماعیل است که بیت را باید بسازند؛ اینجا بحث ذریه پیش می‌آید: ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره/ ۱۲۸). این «أُمَّةً مُّسْلِمَةً» همان امت امام است که می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَخِيكُم بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا...﴾ (مائده/ ۴۴) این اسلام آن اسلامی است که شایستگی مقام امامت را به دنبال دارد: ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره/ ۱۲۹) ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُذَكِّرُهُمْ أَنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (بقره/ ۱۳۰) در اینجا دیگر بعد از این دعای کلی، دعا می‌رود روی شخص رسول اکرم ﷺ؛ بعد می‌فرماید: ﴿مَنْ يَرْزُقْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَا فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (بقره/ ۱۳۱) ﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْنَا قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (بقره/ ۱۳۲) تعظیم می‌کند؛ باز مسأله اسلام اسماعیلی است؛ چرا این ذبح باید نصیب اسماعیل شود؟ که در آن آیات سوره صافات که می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا آتِي أَفْعَلْ مَا تُؤْمُرُ سَتَجِدُنِي إِنِ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ۚ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ۚ وَتَذَاتَبَا أَنْ يَأْبِرَإِهِيمَ ۚ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكُمْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (۱۰۲–۱۰۳–۱۰۴–۱۰۵) اینها همه نشان‌دهنده خط امامت است.

• تداوم خط امامت؛

بحث امامت در نسل اسماعیل تا روز قیامت

خط امامت یعنی خط تسلیم محض برای خداست؛ خط سرافتادگی، خط سرسپردگی، خط عبودیت محض برای خدا؛ این یعنی خط امامت و این خط امامت، در ذریه ابراهیم از نسل اسماعیل تداوم خواهد یافت تا روزی که خط افساد کلا از این جامعه برچیده شود؛ آن خط افسادی که تیره بنی‌اسرائیلی سرانجام در این جهان و در این جامعه بشر به راه خواهد انداخت؛ این مسأله امامت است؛ امامت تا روز قیامت تداوم دارد و اصلاً انتهایپذیر نیست و آن همان خطی است که خداوند از آن به بقیة‌الله تعبیر کرده است؛ این هسته همیشه در جامعه بشر، هسته بقا و هسته باقی است و هسته مداوم است: ﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا لَهُمْ يَقُولَ لِعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (قصص/ ۵۱) این قول ما، پیام ما، پیام‌رسانی ما، خط امامت ما متصل است به وعده الهی که می‌فرماید: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَلْنَاهَا﴾ (اعراف/ ۱۵۶) یعنی تحقق پیدا خواهد کرد.